

بررسی دستگاه فعلی در گویش نهاوندی
(قسمت دوم و پایانی)

کرم رضا شریفی

کارشناس ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی

۳- اقسام فعل از نظر ساختمان

فعل از نظر ساختمان یا ساخت اشتقاقی به سه دسته ساده، مشتق یا پیشوندی و مرکب یا گروهی تقسیم می‌شوند:

افعال ساده

فعل‌های مانند xord (خورد) و di (دید) که از یک عنصر ساده تشکیل شده‌اند افعال ساده هستند. ستاک گذشته این فعل‌ها به اضافه /a/ مصدر آن‌ها را تشکیل می‌دهد. برخی از این مصدرها عبارت‌اند از:

مصدر	→	ستاک گذشته	→	فارسی
xorda	→	xord	→	خوردن
'ešgesa	→	'ešges	→	شکستن
pešmesa	→	pešmes	→	عطسه کردن
koxesa	→	koxes	→	سرفه کردن

diya	→	di	→	دیدن
xanesa	→	xanes	→	خندیدن
rextesa	→	rextes	→	ریختن
'everda	→	'everd	→	آوردن
tucesa	→	tuces	→	پراکنده کردن

افعال مشتق یا پیشوندی

به افعالی که از یک فعل ساده و عنصر دیگری به نام پیشوند تشکیل می‌شوند فعل پیشوندی یا مشتق گفته می‌شود. مفهوم فعل ساده با توجه به پیشوندی که به آن اضافه می‌شود تغییر می‌یابد.

اکنون به بررسی پیشوندهای گوناگونی که به افعال ساده اضافه می‌شوند و فعل مشتق می‌سازند می‌پردازیم. پیشوندهایی که در تشکیل افعال مشتق شرکت دارند همراه با فعل ساده به صورت مصدر در زیر ارائه شده‌اند:

(۱) وِر ver (در فارسی بر)

ver keda	برپا کردن (آتش)
ver isiya	بلند شدن
ver ciya	برچیدن
ver âmeya	ورآمدن (خمیر)
ver jesa	پریدن
ver efiya	برافتادن
ver yašta	برگشتن
ver tupesa	سقط شدن (حیوان)
ver ziya	وراجی کردن، ورزدن
ver dâšta	برداشتن
ver kana	کندن چیزی (به شدت)

۲) در (در فارسی دَر)

der omesa	خراب شدن (خانه)
der ârda	بیرون آوردن
der âmiya	بیرون آمدن
	۳) وا vâ (در فارسی باز ، وا)
vâ mona	وا ماندن
vâ rafta	وا رفتن
vâ resa	تمام شدن
vâ tikesa	تکاندن

افعال مرکب یا گروهی

افعال مرکب از یک فعل ساده که همکرد نامیده می شود و عناصر دیگری مانند اسم ، فعل ، صفت و یا حرف اضافه تشکیل شده اند . در فعل های مرکب معمولاً عنصر فعلی یا همکرد معنی اصلی خود را از دست می دهد . در گویش نهاوندی نیز گرایش زیادی به استفاده از افعال مرکب وجود دارد . مانند :

šavâš keda	شاباش کردن
za xâsa	زن گرفتن
pâ gerefta	پاگرفتن (نشستن برف بر روی زمین)
velâ keda	پهن کردن
maloni keda	شناکردن
šalp šel keda	دست و پا زدن در آب

افعال خاص

افعالی که صورت‌های صرفی ویژه دارند و در گروه فعلی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند افعال خاص هستند. افعال خاص را می‌توان تحت عنوان افعال معین، شبه معین و یا کمکی نام برد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

افعال معین

افعال معین افعالی هستند که معنای اصلی خود را از دست می‌دهند و برای صرف زمان‌ها و نمودهای دیگر فعل به کار می‌زنند. درگوش نه‌اوندی برخی از این افعال به صورت خاصی در آمده‌اند. آن‌ها را از نظر زمان فعل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فعل‌های «هسم، هستی، ...» زمان حال «بودن»

این فعل‌ها برای زمان حال ساده به صورت زیر صرف می‌شوند.

hesem	هستم	hesim	هستیم
hesi	هستی	hesit	هستید
he	هست	hesen	هستند

شکل منفی این فعل‌ها به این صورت است که واج منفی /na/ به صورت /ni/ جانشین

/h/ می‌شود.

nisem	نیستم	nisim	نیستیم
nisi	نیستی	nisit	نیستید
ni	نیست	nisen	نیستند

مصدر بودن «biya»

ستاکی گذشته‌ی (بن ماضی) این مصدر «bi» است. این افعال برای زمان‌های مختلف به کار می‌روند. چون شناسه‌ی شخصی زبان‌های مختلف با واکه آغاز می‌شود، بین واکه‌ی /i/ و واکه‌ی شناسه‌ی فعل، واج میانجی /y/ به کار می‌رود.

(۱) گذشته ساده

گذشته‌ی ساده از مصدر بودن (biya) به صورت زیر صرف می‌شود.

biyem	بودم	biyim	بودیم
biyi	بودی	biyit	بودید
bi	بود	biyen	بودند

شکل منفی گذشته‌ی ساده

برای منفی کردن این فعل پیشوند «ne» به ابتدای فعل اضافه می‌شود و جای واج /b/ با واج /v/ عوض می‌شود.

صرف منفی گذشته ساده‌ی مصدر biya «بودن»:

neviyem	نبودیم	neviyim	نبودیم
neviyi	نبودی	neviyit	نبودید
nevi	نبود	neviyen	نبودند

در مثال کاملاً مشخص است که واج /v/ جانشین واج /b/ شده است. در گویش نهاوندی این پدیده کاملاً متداول است. چنان‌که در این مثال‌های غیرفعلی نیز ملاحظه می‌کنیم:

تلفظ	نهاوندی	فارسی
šev	شو	شب
tâva	تاوه	تابه
tevxâl	توخال	تب خال

۲) حال التزامی :

حال التزامی فعل بودن «biya» به صورت‌های زیر صرف می‌شود :

bâm	باشم	bâyim	باشیم
bâyi	باشی	bâyit	باشید
bâ	باش	bân	باشند

شکل منفی

برای منفی کردن این فعل ابتدا پیشوند منفی ساز /-na-/ اضافه می‌شود و سپس واج

/v/ جانشین واج /b/ می‌شود به صورت زیر:

navâm	نباشم	navâyim	نباشیم
navâyi	نباشی	navâyit	نباشید
navâ	نباش	navân	نباشند

۳) گذشته‌ی استمراری از مصدر «بودن»

برای ساختن گذشته‌ی استمراری پیشوند استمرار ساز /me-/ به ابتدای فعل

گذشته‌ی ساده اضافه می‌شود و باز هم واج /v/ جانشین واج /b/ می‌شود.

me viyem	می‌بودم	me viyim	می‌بودیم
me viyi	می‌بودی	me viyit	می‌بودید
me vi	می‌بود	me viyen	می‌بودند

همان‌طور که مشاهده می‌شود وقتی تکواژ /mi/ به این فعل اضافه می‌شود تغییر آوایی

به صورت رو به رو به وجود می‌آید. $mi + biyem \rightarrow meviyem$

یعنی ابتدا واکه‌ی /i/ به واسطه‌ی هم‌نشینی با هم‌خوان /b/ به صورت واکه‌ی /e/

درآمده و سپس واج /v/ جانشین واج /b/ شده است. در این جا همگونی واکه با هم‌خوان

و سپس جانشینی هم‌خوان رخ داده است.

شکل منفی گذشته‌ی استمراری

برای ساختن گذشته‌ی استمراری منفی فقط کافی است که تکواژ منفی ساز /me/ به اول گذشته‌ی استمراری اضافه شود.

neme viyem	نمی بودم	neme viym	نمی بودیم
neme viyi	نمی بودی	neme viyt	نمی بودید
neme vi	نمی بود	neme viyen	نمی بودند

(۴) حال کامل (ماضی نقلی) از مصدر biya (بودن)

ماضی نقلی در این گویش به صورت زیر است:

biyam	بودهام	biyayim	بودهایم
biyayi	بودهای	biyayit	بودهاید
biya	بوده‌است	biyan	بوده‌اند

شکل منفی حال کامل:

برای منفی کردن این فعل تکواژ منفی ساز /-ne/ به اول فعل اضافه می‌شود و باز هم واج /b/ جای خود را به واج /v/ می‌دهد.

neviyam	نبوده‌ام	neviyim	نبوده‌ایم
neviyayi	نبوده‌ای	neviyit	نبوده‌اید
neviya	نبوده‌است	neviyan	نبوده‌اند

شکل امر و نهی از مصدر بودن (biya)

فعل امر بودن در این گویش دارای دو صیغه‌ی مفرد و جمع است یکی «bâ» به معنی باش و دیگری «bâyit» به معنی «باشید»، مانند:

'onjo bâ آن جا باش

'injo bâyt این جا باشید

فعل نهی

فعل نهی با اضافه کردن تکواژ منفی ساز /na-/ به اول این فعل ساخته می شود. در این جا با زهم واج /b/ به /v/ تبدیل می شود.

مثال برای فعل نهی :

bâ → navâ نباش

bâyt → navâyt نباشید

مثال :

'onjo navâ. آن جانباش.

'onjo navâyt. آن جانباشید.

اکنون به فعل های گوناگونی که از فعل معین بودن یا شدن یعنی «biya» صرف می شوند

توجه کنید:

kesel mâm. خسته (کسل) می شوم. حال ساده

tamom bâ. تمام شود. حال التزامی

tar biya. تر شده است. حال کامل

mât biyayin. مبهوت شده بودند. ماضی بعید

در فعل mâm واج /m/ به جای واج /b/ آمده و ایجاد معنی استمراری یا زمان حال کرده است. واج /m/ نشان دهنده ی زمان حال ساده و یا زمان حال ساده و یا زمان حال استمراری است و واج /b/ نشان دهنده ی وجه التزامی بودن فعل است. چند مثال دیگر :

'ar xu dars baxonem qavul mâm. اگر خوب درس بخوانم قبول می شوم.

'ar 'âme xuyi bâ vâš mâmela mokonem . . . اگر آدم خوبی باشد با او معامله می کنم .

بچه‌ی خوبی شده است .

bace xuyi vâ viya .

داشتن (dâšta)

فعل معین «داشتن» با فعل دیگری صرف می‌شود و نمود مستمر فعل اصلی را بیان می‌کند. این فعل حالت تأکید را با خود دارد که همزمانی با عمل دیگر را می‌رساند. فعل داشتن در مفهوم اصلی خود «مالکیت» را می‌رساند. در این صورت مانند سایر افعال غیر معین به کار می‌رود.

(۱) حال ساده :

حال ساده‌ی این فعل از ستاک فعل یعنی /dâr/ و شناسه‌های شخصی ساخته می‌شود به

صورت زیر :

dârem	دارم	dârim	داریم
dâri	داری	dârit	دارید
dâra	دارد	dâran	دارند

مثال :

dâra miyâ.	دارد می‌آید.
dâran moxoran.	دارند می‌خورند.
šiya dâri me larzi.	چی شده داری می‌لرزی؟
cona dari me devi.	چرا داری می‌دوی؟
dâri me gurvi.	داری گربه می‌کنی.
dâra me xana.	دارد می‌خندد.

۲) گذشته ساده از مصدر داشتن (dâšta)

گذشته‌ی ساده این فعل از ستاک فعل /dâr/ و تکواژ ماضی‌ساز و شناسه‌های شخصی ساخته می‌شود.

dâstem	داشتم	dâstim	داشتیم
dâšti	داشتی	dâstit	داشتید
dâšt	داشت	dâšten	داشتند

علامت /Ø/ تکواژ صفر نامیده می‌شود و هنگامی به کار می‌رود که تکواژ ماضی‌ساز و تکواژ دیگر نمود صفر دارند. یعنی هیچ نشانه‌ای برای آن‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر در سوم شخص مفرد ماضی شناسه‌ی شخصی وجود ندارد. این مفهوم در خود فعل گذشته‌ی ساده مستتر است.

چند مثال :

dâstem mo xonem.	داشتم می‌خواندم.
dâstem me raftem.	داشتم می‌رفتم.
dâšten nâštâ me xorden.	داشتند صبحانه می‌خوردند.

۳) گذشته‌ی التزامی :

گذشته‌ی التزامی و حال التزامی این فعل یک صورت دارد و مانند سایر افعال صرف می‌شود.

dâšta vâm	داشته باشم	dâšta vâyim	داشته باشیم
dâšta vâyi	داشته باشی	dâšta vâyit	داشته باشید
dâšta vâ	داشته باش	dâšta vân	داشته باشند

در این فعل‌ها هم خوان /b/ به سبب همگونی به صورت /v/ تبدیل یافته است. در مصاحبه‌ای که با چند گویشور مسن داشتم به گونه‌ی دیگری از گذشته و یا حال

التزامی مصدر «داشتن» برخورد کردم . آن‌ها به جای *dâšta vâm* از *dâštâm* استفاده می‌کردند ، یعنی تقریباً هجای */vâ/* را از فعل مذکور حذف کرده و واکهی */a/* به */â/* تبدیل شده و واج */m/* هم به عنوان ضمیر فاعلی اول شخص مفرد و به عنوان شناسه‌ی شخصی برای صرف به کار رفته است . یعنی هم‌زمان دارای دو نقش صرفی و نحوی است . این تلفظ به زبان باستان نزدیک‌تر است و از نظر گویش نهاوندی نیز بسیار قدیمی است . این فعل به صورت زیر صرف می‌شود .

<i>dâštâm</i>	داشته باشم	<i>dâštâyim</i>	داشته باشید
<i>dâštâyi</i>	داشته باشی	<i>dâštâyit</i>	داشته باشید
<i>dâštâ</i>	داشته باشد	<i>dâštân</i>	داشته باشند

مثال : *'ar tup dâštâm mi yâremeš bâzi .*

اگر توپ داشته باشم به بازی می‌آورم .

با فعل داشتن می‌توان گذشته‌ی استمراری را نیز صرف کرد . در این صورت فعل مرکب تشکیل می‌دهد .

مانند :

'ar xavar me dâstem mi yâmâm . اگر خیر می‌داشتم می‌آمدم .

در این جا «خبر داشتن» فعل مرکب است

شکل منفی "dâšta" (داشتن)

شکل منفی این فعل تنها در معنی اصل خود به کار می‌رود و در تمام زمان‌های آن به جای واج آغازین */d/* از واج */n/* استفاده می‌شود . البته واکهی باز */â/* نیز به واکهی نیمه باز */a/* تبدیل می‌شود . به عبارت دیگر می‌شود گفت که هجا کوتاه می‌شود . مثلاً :

<i>dârem</i>	دارم	<i>narem</i>	ندارم
<i>dâstem</i>	داشتم	<i>naštem</i>	نداشتم
<i>dâšta vân</i>	داشته باشید	<i>našta vân</i>	نداشته باشند
<i>dâšta vâyim</i>	داشته باشیم	<i>našta vâyim</i>	نداشته باشیم

زمان حال منفی این فعل به صورت زیر صرف می شود:

narem	ندارم	narim	نداریم
nari	نداری	narit	ندارید
nara	ندارد	narān	ندارند

مثال: من دیگر او را دوست ندارم. *ma diya 'ona dus narem .*

زمان گذشته‌ی ساده این فعل به صورت زیر است:

naštem	نداشتم	naštīm	نداشتیم
našti	نداشتی	naštīt	نداشتید
našt	نداشت	naštan	نداشتند

مثال:

چیزی نداشتند بخورند. *ciyi našten baxoran .*

افعال وجهی (شبه معین):

این افعال به تنهایی به کار نمی روند ولی در بافتی که به کار می روند معنی اصلی خود را حفظ می کنند. از این رو شبه معین نامیده می شوند. این افعال وجه فعل بعد از خود را تعیین می کنند و آن‌ها را تغییر می دهند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند: از بایستن و توانستن.

بایستن

این فعل لزوم چیزی را برای کسی یا انجام دادن و واقع شدن فعل دیگری را بیان می کند. فعلی که بعد از بایستن می آید معمولاً به صورت مضارع التزامی است و اشاره به وقوع فعل در زمان حال دارد. مثال: *bâ 'ad bari* (باید بروی).

گاهی برای اشاره به کاری که باید در گذشته انجام می‌گرفته است ولی انجام نگرفته به کار می‌رود که در این جا بعد از «بایستن» فعل بعدی به صورت ماضی استمراری به کار می‌رود. مثال : bâ'ad meraft (باید می‌رفت).

چند مثال دیگر :

bâ'ad 'aş baporsem.

باید از او پرسم.

bâ'ad 'i ketâva veram baxari.

باید این کتاب را برایم بخری.

bâ'ad meraftem diyaneš.

باید به دیدنش می‌رفتم.

منفی «بایستن»

این فعل مثل سایر افعال با افزودن na منفی می‌شود. مانند :

naba'ad bary.

نباید بروی.

nabâ'ad 'i harfa bazani .

نباید این حرف را بزنی.

گاهی افعال منفی ای مانند . navâda navân به معنی «نبادا نباشند.» وجود دارد که در هر دو فعل واج /v/ به جای /b/ قرار گرفته که شکل فارسی آن به صورت nabâdâ (نبادا) و nabâšand (نباشند) است.

توانستن /tonesa/

این فعل نیز از افعال وجهی و فعل بعد از آن نیز به صورت وجه التزامی است. مانند :

tonesi banisi ?

توانستی بنویسی؟

شناسه های شخصی ، هم در فعل توانستن و هم در فعل بعد از آن صرف می‌شوند :

tonesem barem	توانستم بروم	tonesim barim	توانستیم برویم
tonesi bari	توانستی بروی	tonesit barit	توانستید بروید
tomes bara	توانست برود	tonesen baran	توانستند بروند

مثال :

tonesa vâ biyâ. (شاید) توانسته باشد بیاید.

با فعل «توانستن» می‌توان زمان‌های مختلف را به کار برد. یعنی با افزودن پیشوندها و پسوندهای مختلف به ستاک فعال توانستن یعنی /-ton-/ زمان‌های مختلف صرف می‌شود که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم :

۱) زمان حال ساده

زمان حال ساده فعل از مصدر «توانستن» به صورت زیر صرف می‌شود :

me tonem	می‌توانم	me tonim	می‌توانیم
me toni	می‌توانی	me tonit	می‌توانید
me tona	می‌تواند	me tonan	می‌توانند

مثال :

metoni bari qela no biyâri? می‌توانی به منزل بروی نان بیاوری؟

۲) حال التزامی

حال التزامی این فعل به صورت زیر صرف می‌شود:

batonem	بتوانم	batonim	بتوانیم
batoni	بتوانی	batonit	بتوانید
batona	بتواند	batonan	بتوانند

مثال :

اگر بتوانم فرمانی ببرم (کاری بکنم) خوشحال می‌شوم.

'ar batonem fermoni barem xošâl mâm

۳) گذشته‌ی ساده

گذشته‌ی ساده از مصدر توانستن به صورت زیر صرف می‌شود:

tonešem	توانستیم	tonesim	توانستید
tonesi	توانستی	tonesit	توانستید
tones	توانست	tonesen	توانستند

مثال:

به سختی توانستند در آن‌جا طاقت بیاورند. *biñjo ve saxti tonesen tâqat biyâran*

۴) گذشته‌ی استمراری:

همانند افعال دیگر که قبلاً بحث شد با افزودن پیشوند /me-/ به ستاک گذشته فعل توانستن و آوردن شناسه‌های شخصی گذشته استمراری ساخته می‌شود:

me tonešem	می‌توانستیم	me tonesim	می‌توانستید
me tonesi	می‌توانستی	me tonesit	می‌توانستید
me tones	می‌توانست	me tonesen	می‌توانستند

مثال:

توانستم کتاب را تا آخر شب تمام بکنم. *talâfat ferênji*

tonešem ketâva tâ 'âxere šew tamom bakonem

۵) حال کامل (ماضی نقلی)

فعل ماضی نقلی «توانستن» به صورت زیر صرف می‌شود:

tonesam	توانسته‌ام	tonesayim	توانسته‌ایم
tonesayi	توانسته‌ای	tonesayit	توانسته‌اید
tonesa	توانسته است	tonesan	توانسته‌اند

مثال:

tonesan dars baxonan ke ve 'inje rasesan.

(آن‌ها) توانسته‌اند درس بخوانند که به این جا رسیده‌اند.

منفی «توانستن»:

با آوردن پسوند /na- افعالی را که از توانستن صادر می‌شوند می‌توان منفی نمود.

توانستم nâtonesem نتوانستم
tonesem توانستم

مثال:

natonesen 'a cot baran bâlâ. نتوانستند از چُت (نام کوهی) بالا بروند.

nemetona 'imâna 'a xonamo bakona dar. نمی‌تواند ما را از خانه‌مان بیرون کند.

خواستن "xâsa"

یکی دیگر از افعال وجهی مشتقات «خواستن» است که زمان و وجه فعل بعد از خود را تعیین می‌کند و آن را تغییر می‌دهد و می‌تواند با زمان‌های مختلف به کار رود.

moxâm barem	می‌خواهم بروم
moxâsem barem	می‌خواستم بروم
xâsem baxarem	خواستم بخرم
xâsam baxarem	خواسته‌ام بخرم

همان‌طور که مشاهده می‌شود فعلی که بعد از این فعل به کار می‌رود به صورت وجه التزامی است. از ستاک حال این فعل /xâ/ می‌توان زمان‌های مختلف صرف کرد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

(۱) حال ساده

این فعل برای زمان حال ساده به صورت زیر صرف می شود:

moxâm	می خواهم	moxâyim	می خواهیم
moxâyi	می خواهی	moxâyit	می خواهید
moxâ	می خواهد	moxân	می خواهند

مثال:

'a ise ve ba'd moxâm dars baxonem. از حالا به بعد می خواهم درس بخوانم.
'ar xoda baxâ marim . اگر خدا بخواد پیروز می شویم.
'onâ zardâli moxân آن‌ها زرد آلو می خواهند.

(۲) گذشته‌ی ساده

گذشته‌ی ساده از مصدر «خواستن» به صورت زیر صرف می شود:

xâsem	خواستم	xâsim	خواستیم
xâsi	خواستی	xâsit	خواستید
xâs	خواست	xâsen	خواستند

مثال:

xâsem henât baxonem 'amo rafti خواستم تو را صدا کنم اما رفتی .
'xodâ xâs 'o bamona. خدا خواست که او زنده بماند.

(۳) حال التزامی

زمان حال التزامی از مصدر «خواستن» به صورت زیر صرف می شود. همان طور که مشاهده

می شود واج /b/ قبل از زمان حال ساده می آید و آن را التزامی می کنند. واج /m/ از ابتدای فعل حذف می شود و واکهی /o/ به واکهی /a/ تبدیل می شود. به عبارت دیگر قبل از ستاک حال از مصدر «خواستن» پیشوند التزامی ساز /ba/ قرار می گیرد.

baxâm	بخواهیم	baxâyim	بخواهیم
baxâyi	بخواهی	baxâyit	بخواهید
baxâ	بخواهد	baxân	بخواهند

چند مثال :

(او) فرد محتاجی نیست که بخواند به خاطر پول کار بکند.

'âyeme nadâri ni ke baxâ vere pi:l kâr bakona.

بخواهی نخواهی باید به دیدنش برویم . baxâyi naxâyi bâ'ad barim diyaneš.

۴) گذشته‌ی التزامی

گذشته‌ی التزامی از مصدر «خواستن» با استفاده از همین مصدر یعنی xâsa و صرف شناسه‌های شخصی با فعل «bâ» که از مصدر «biya» گرفته شده است ساخته می شود. مانند :

xâsa bâm	خواستم باشم	xâsa bâyim	خواستم باشیم
xâsa bâyi	خواستی باشی	xâsa bâyit	خواستی باشید
xâsa bâ	خواست بخاشد	xâsa bân	خواست باشند

مثال :

اگر خواسته باشند ما را ببینند می آمدند. 'ar xâsa bân 'imâna beyinan miyâmân.

۵) گذشته‌ی استمراری

با آوردن پیشوند /mo-/ به ستاک گذشته از مصدر «خواستن» گذشته استمراری

ساخته شود.

mo xâsem	می خواستم	mo xâsim	می خواستیم
mo xâsi	می خواستی	mo xâsit	می خواستید
mo xâs	می خواست	mo xâsen	می خواستند

مثال :

'ar bâro nevi mo xâsim barim sarow. اگر باران نبود می خواستیم «سراب» برویم.

۶- ماضی نقلی

ماضی نقلی از مصدر «ساختن» با افزودن شناسه‌های ماضی نقلی به این مصدر یعنی xâsa ساخته می شود.

xâsam	خواستهام	xâsayim	خواستهایم
xâsayi	خواستهای	xâsayit	خواستهاید
xâsa	خواست است	xâsan	خواستند

مثال :

'ešnaftam za xâsayi.

شنیده‌ام که ازدواج کرده‌ای. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

افعال همکردی

فعل ساده‌ای که در صرف افعال مرکب شرکت دارد یعنی افعال مرکب با آن صرف می شوند در اصطلاح دستوری همکرد نامیده می شود. البته این افعال را نباید با افعالی که قبلاً بحث شد اشتباه گرفت. چون این افعال خودشان به تنهایی به کار می روند و مفهوم خود را به تنهایی حفظ کرده‌اند. این افعال هنگامی که به عنوان همکرد در تشکیل فعل مرکب شرکت می کنند مفهوم اصلی خود را از دست می دهند. مانند: خواب بردن «xew borda» که همکرد «بردن» مفهوم «بردن» را ندارد.

رایج ترین افعال همکردی عبارت اند از: بردن، خوردن، زدن، شدن، کردن، گرفتن و کشیدن که به شرح آن ها می پردازیم.

۱) بردن «borda»

مهم ترین و رایج ترین افعال مرکبی که به کمک همکرد «بردن» ساخته می شوند عبارت اند از:

xew borda	خواب بردن
pey borda	فهمیدن
bu borda	بو بردن
delborda	دل بردن

مثال:

او فهمیده است که کجا می رویم. 'o bu borda kojo merim.

۲) خوردن «xorda»

رایج ترین افعالی که با کمک همکرد «xorda» ساخته شده اند عبارت اند از:

gul xorda	گول خوردن
qasam xorda	قسم خوردن
jom xorda	تکان خوردن
ve dard xorda	به درد خوردن

مثال:

نگذار او گول بخورد. nal 'o gul baxora.

۳) زدن «zeya»

این همکرد نیز در چندین فعل مرکب شرکت می کند.

cort zeya	چرت زدن
cena zeya	حرف زدن
dam zeya	حرف زدن
zanŋ zeya	اکسیده شدن
ver zeya	بیهوده گویی
sar zeya	سرزدن (به کسی)

مثال :

قفل در زنگ زده بود آن را عوض کردیم .

qolfe dar zanŋ zeya bi 'avazeš kedim.

اگر به ما سر بزنی خوشحال می شویم .

'ar ve 'imâ sar bazani xošhál mâyim.

۴ شدن (biya)

«شدن» نیز در ترکیب فعل مرکب به کار می رود و افعال گوناگون می سازد:

xejâlat biya	خجج شدن
kol biya	کند شدن
kur biya	کور شدن
hol biya	کج شدن
liz biya	سرازیر شدن

مثال :

این چاقو کند شده است .

'i caqu kol biya .

۵) کردن «keda»

این فعل یکی از پرسامدترین همکردها در تشکیل بسیاری از افعال مرکب است:

târ keda	راندن ، تاراندن
pes keda	کمین کردن
kez keda	کیز کردن ، در گوشه‌ای نشستن
paru keda	وصله کردن
xi:rd keda	خُرد کردن
hâšâ keda	انکار کردن
gom keda	گم کردن

مثال :

'o naveštane nâmana hâšâ ked.

او نوشتن نامه را انکار کرد.

۶) گرفتن «gerafta»

این همکرد از افعالی است که در تشکیل افعال مرکب فعال است . مانند :

ger gerefta	آتش گرفتن
pâ gerefta	نشستن برف بر روی زمین
bona gerefta	بهانه گرفتن
per gerefta	پرواز کردن ، رفتن
garte duya gerefta	خانه تکانی کردن

مثال :

ve âteše sigare 'o xarme ger gereft.

با آتش سیگار او خرمن آتش گرفت .

۷) کشیدن «kašiya»

آخرین همکردی که به بررسی آن می پردازیم «کشیدن» است. این همکرد نیز در تشکیل افعال مرکب فعال است.

xejâlat kašiya	خجالت کشیدن
caqu kašiya	چاقو کشیدن
drâz kašiya	دراز کشیدن
tiqa kâšiya	باریک شدن
pâ kašiya	کناره گرفتن
gorz kašiya	آماده جنگ شدن

مثال :

از این معامله کنار کشیده است.

'a 'i mâmela pâ kašiya.

۴ - زمان، وجه و نمود

در گویش نهاوندی همانند زبان فارسی و گویش های آن، زمان فعل براساس حال و گذشته تقسیم بندی می شوند. در این جا نیز از زمان حال ساده برای زمان آینده استفاده می شود. مثلاً وقتی می گویم «mezanem» (می زنم) هم به زمان حال و هم به آینده دلالت می کند.

عنصر وجه به قطعی بودن یا غیر قطعی بودن، امری بودن، خبری بودن و التزامی بودن فعل دلالت دارد.

مشخصه‌ی نمود فعل به چگونگی صورت گرفتن فعل دلالت می کند. مانند نمود ساده، مستمر و یا نمودهای فعل به صورت وجه اخباری، وجه التزامی، امری و یا وجه وصفی.

اکنون به بررسی زمان هایی که در گویش نهاوندی به کار می روند، می پردازیم:

گذشته‌ی ساده :

گذشته‌ی ساده به وقوع عمل در گذشته به طور قطعی دلالت می‌کند . یعنی عملی را بیان می‌کند که در گذشته شروع و تمام شده است . مانند :

آن‌ها شام را خوردند. 'onâ şâma خوردen.

برای ساخت گذشته‌ی ساده تکواژ ماضی ساز را به ستاک فعل اضافه می‌کنند و سپس آن‌را با شناسه‌های شخصی مورد نظر صرف می‌کنند ، به این ترتیب :

معنی	مصدر	→ نشان‌مصدری	+ تکواژ ماضی ساز	+ ستاک فعل
بردم	bordem	+ em	+ d	bor
بردی	bordi	+ i	+ d	bor
برد	bord	+ ∅	+ d	bor

حال برای آشناتر شدن با گذشته‌ی ساده در این گویش ، چند فعل مختلف را صرف می‌کنیم:

(۱) «دیدن» diya

دیدیم	diyem	دیدم	diyem
دیدید	diyit	دیدیدی	diyit
دیدند	diyen	دید	diyen

(۲) «گریستن» qürvesa

گریه کردیم	gürvesim	گریه کردم	gürvesem
گریه کردید	gürvesit	گریه کردیدی	gürvesi
گریه کردند	gürvesen	گریه کرد	gürves

(۲) «بردن» borda

بردم	bordim	بردم	bordem
بردی	bordit	بردی	bordi
بردند	borden	برد	bord

مثال :

بازی را دیروز دیدم.

bâzina diruz diyem

گذشته‌ی استمراری

گذشته استمراری وقوع عمل یا کار را به طور مستمر بیان می‌دارد و فعل ، نمود استمرار پیدا می‌کند . برای ساخت این فعل یکی از پیشوندهای /me- / یا /mi- / را به ستاک گذشته‌ی فعل مورد نظر اضافه می‌کنند به این شرح :

/mi- /	/me- /	/mo- /	ستاک حال	تکواژماضی‌ماز	شناسه‌ی شخص	→ گذشته استمراری	فارسی
mi	'âr	d	em	→ mi yârdem	می‌آوردم		
mo	xor	d	em	→ mo xordem	می‌خوردم		
me	gürv	es	em	→ me gürvesm	مگر به می‌کردم		

اکنون به صرف چند فعل دیگر می‌پردازیم :

(۱) «آوردن» 'everda

mi yârdem	می‌آوردم	mi yârdim	می‌آوریم
mi yârdi	می‌آوری	mi yârdit	می‌آوردید
mi yârd	می‌آورد	mi yârden	می‌آورند

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مصدر «'everda» تغییرات واجی رخ داده است . ابتدا واج‌های /e/ و /v/ و /e/ حذف شده و به جای آن‌ها واکه‌ی /â/ قرار گرفته و هنگام افزودن پیشوند چون واج دوم آن واکه است ، واج میانجی /y/ برای آن‌که التقای مصوت‌ها به وجود نیاید افزوده شده است .

مثال :

'ar meynesem 'o miyâ 'onjo 'ona vâ xom miyardem.

اگر می‌دانستم او به آن‌جا می‌آید او را با خودم می‌آوردم .

۲) «آمدن» 'ameyia

mi yâmâm	می آمدم	mi yâmâyim	می آمدمیم
mi yâmâyi	می آمدی	mi yâmâyit	می آمدیدی
mi yâmâ	می آمد	mi yâmân	می آمدند

۳) «خوردن» xorda

moxordem	می خوردم	moxordim	می خوردیم
moxordi	می خوردی	moxordit	می خوردیدی
moxord	می خورد	moxorden	می خوردند

واکه‌ی /o/ در پیشوند به سبب همگون شدن با واکه‌ی /o/ در ستاک فعل است.

۴) «بردن» borda

mo:rdem	می بردم	mo:rdim	می بردیم
mo:rdi	می بردی	mo:rdit	می بردیدی
mo:rd	می برد	mo:rden	می بردند

در این فعل نیز واکه‌ی ستاک فعل بر پیشوند اثر کرده و همگونی رخ داده است و پیشوند به صورت /mo-/ درآمده است. اما تغییر دیگری در فعل رخ داده و آن این است که ابتدا هجای /bo/ حذف شده و بر اثر این حذف هجای اول فعل کشیده شده است. یعنی:

mo+ bordem → mo:rdem

باید توجه داشت که همین کشیدگی باعث تمایز بین «مردن» به معنی هلاک شدن و «بردن» می شود. این فعل به صورت زیر صرف می شود:

mordem	مردم	mordim	مردیم
mordi	مردی	mordit	مردیدی
mord	مرد	morden	مردند

(۵) «گریه کردن» guresa

me gürvesem	گریه می کردم	me gürvesim	گریه می کردیم
me gürvesi	گریه می کردی	me gürvesit	گریه می کردید
me gürves	گریه می کرد	me gürvesen	گریه می کردند

(۶) «ترسیدن» tarsea

me tarsesem	می ترسیدم	me tarsestim	می ترسیدیم
me tarsesti	می ترسیدی	me tarsestit	می ترسیدید
me tarsest	می ترسید	me tarsesten	می ترسیدند

(۷) «گرفتن» gerefta

meyreftem	می گرفتم	meyregtim	می گرفتیم
meyrefti	می گرفتی	meyreftit	می گرفتید
meyreft	می گرفت	meyreften	می گرفتند

همان طور که مشاهده می شود در صرف این فعل یک هجا حذف می شود، به این صورت:

megereftem → meyreftem

واج های /g/ و /e/ از فعل حذف شده و سپس واج /y/ جانشین آن ها شده است. این تغییر هم مانند موارد مشابه در جهت اقتصاد زبانی و میل به سادگی بوده است.

ماضی نقلی (حال کامل)

این فعل برای بیان عمل یا کاری که در گذشته شروع شده است و تا زمان حال ادامه دارد و با اثر آن هنوز باقی است به کار می رود. ماضی نقلی را با استفاده از صفت مفعولی فعل مورد

نظر همراه با صرف شناسه‌های شخصی می‌سازند. صفت مفعولی از ستاک حال، تکواژ ماضی ساز و واج /e/ به عنوان نشانه مفعولی ساخته می‌شود.

ماضی نقلی → شناسه شخصی + نشانه مفعولی + تکواژ ماضی ساز + ستاک حال
xordeyi → i + e + d + xor

حال به صرف چند فعل می‌پردازیم:

(۱) «خوردن» xorda

xordam	خورده‌ام	xordeyim	خورده‌ایم
xordeyi	خورده‌ای	xordeyit	خورده‌اید
xorda	خورده‌است	xordan	خورده‌اند

(۲) «گریه کردن» gürvesa

gürvesam	گریه کرده‌ام	gürvesayim	گریه کرده‌ایم
gürvesayi	گریه کرده‌ای	gürvesayit	گریه کرده‌اید
gürvesa	گریه کرده‌است	gürvesan	گریه کرده‌اند

همان‌طور که دیده می‌شود نشانه‌ی مفعولی ساز با شناسه‌های شخصی که همان شناسه‌های گذشته‌ی ساده هستند در هم ادغام می‌شوند و از نظر صرفی به صورت بالا در می‌آیند. واج /y/ میانجی است.

ماضی بعید

ماضی بعید برای بیان عمل یا کاری به کار می‌رود که در گذشته در زمان نسبتاً دوری قبل از عمل دیگری به وقوع پیوسته است. ماضی بعید به صورت زیر ساخته می‌شود:

شناسه + واج میانجی + ستاک گذشته‌ی «بودن» + a + bi + تکواژ ماضی + ستاک فعل
em + y + bi + a + d + xor

حال به صرف چند فعل می پردازیم :

xorda biyem	خورده بودم	xorda biyim	خورده بودیم
xorda biyi	خورده بودی	xorda biyit	خورده بودید
xorda bi	خورده بود	xorda biyen	خورده بودند

(۲) «گفتن» gofta

gofta biyem	گفته بودم	gofta biyim	گفته بودیم
gofta biyi	گفته بودی	gofta biyit	گفته بودید
gofta bi	گفته بود	gofta biyen	گفته بودند

(۳) «لرزیدن» larzesa

laresa biyem	لرزیده بودم	laresa biyim
laresa biyi	لرزیده بودی	laresa biyit
laresa bi	لرزیده بود	laresa biyen

مثال :

از سرما لرزیده بودیم تا آن‌ها آمدند. 'a sarmâ laresa' biyim tâ 'onâ âmân .

گذشته‌ی التزامی

برای بیان کار یا عملی به کار می‌رود که در گذشته به انجام آن یقین کامل نداشته و یا درباره آن با شک و تردید برخورد کرده‌ایم. برای ساخت این فعل از ستاک گذشته‌ی فعل (تکواز ماضی + ستاک حال) همراه با واج /a/ و صرف فعل باشیدن /bâ/ استفاده می‌کنیم.

گذشته التزامی	→	شناسه	+	bâ	+	a	+	ستاک گذشته
xorda bâm	→	m	+	bâ	+	a	+	xord

صرف «خوردن» xorda

xorda bâm	خورده باشم	xorda bâyim	خورده باشیم
xorda bâyi	خورده باشی	xorda bâyit	خورده باشید
xorda bâ	خورده باشد	xorda bân	خورده باشند

مثال:

اگر زود درآمده باشند می‌رسند. 'ar zü derâmeya bân merasan

حال ساده

حال ساده به بیان عمل، کار و یا حالتی در زمان حال و یا آینده دلالت می‌کند. برای ساخت این زمان از پیشوندهای /mi/ و /me-/ همراه با ستاک حال فعل مورد نظر و شناسه‌های شخصی استفاده می‌کنند به این شرح:

فارسی	حال ساده	→ شناسه شخصی	+	ستاک حال	+	mi,mo,me
می‌خورم	moxorem	→ em	+	xor	+	mo
می‌زنم	mezanem	→ em	+	zan	+	me
می‌آورم	miyârem	→ em	+	'ar	+	mi

چند مثال دیگر برای صرف حال ساده:

(۱) «جنییدن» jomesa (به معنی حرکت و شتاب داشتن)

می‌جنییم	me jomim	می‌جنییم	me jomem
می‌جنیید	me jomit	می‌جنی	me jomi
می‌جنیند	me joman	می‌جنند	me joma

۲) «گرفتن» gerefta

meýrem	می گرفتم	meýrim	می گیریم
meýri	می گرفتی	meýrit	می گیرید
meýra	می گرفت	meýran	می گیرند

همان طور که قبلاً بحث شده ، با توجه به اصل کم کوشی و اقتصاد زبانی ، از فعل های صرفی «gerefta» یک هجا کم شده است .

از زمان حال ساده - چنان که پیش از این نیز گفته شد - برای بیان کار در زمان آینده و همچنین برای بیان استمرار استفاده می شود . به مثال های زیر توجه کنید :

او کار می کند (استمرار). 'o kâr mokona.

فردا به تهران می رویم (آینده). so merim tayro.

او به من می خندد (حال). 'o ve ma mexana.

حال التزامی :

زمان حال التزامی همانند گذشته ی التزامی است و برای بیان کار یا حالتی که به شک یا تردید بیان می شود به کار می رود .
برای ساخت حال التزامی از پیشوند /ba/ همراه با ستاک حال فعل و صرف شناسه های شخصی استفاده می کنند .

ba	+	ستاک حال	+	شناسه	→	حال التزامی
ba	+	xor	+	em	→	baxorem

صرف فعل حال التزامی از مصدر (خوردن) xordâ

bâxorem	بخورم	bâxorim	بخوریم
bâxori	بخوری	bâxorit	بخورید
bâxora	بخورد	bâxoran	بخورند

مثال:

'ar zü barim merasim.

اگر زود برویم می‌رسیم.

مضارع (حال) ملموس

این فعل به بیان کار یا حالتی که در جریان است و استمرار دارد می‌پردازد. برای بیان این فعل از فعل «dâšta» همراه با حال ساده فعل استفاده می‌کنند.

به شرح زیر:

مضارع ملموس → شناسه + ستاک‌حال + me, mo, mi + شناسه + dêr +

dârem moxonem → dêr + em + mo + xon + em +

صرف «خواندن» xona

داریم می‌خوانیم darim moxonim دارم می‌خوانم dêrem moxonem

دارید می‌خوانید darit moxonit داری می‌خوانی dêri moxonî

دارند می‌خوانند dêran moxonan دارد می‌خواند dêra moxona

چنان‌که ملاحظه می‌شود وقوع هر دو فعل هم‌زمان رخ می‌دهند. مثال:

dâra vâ duseš harf me zana.

دارد با دوستش صحبت می‌کند.

ماضی ملموس

این فعل مانند مضارع ملموس به تداوم انجام گرفتن فعل در زمان گذشته و استمرار

آن می‌پردازد. برای ساخت این فعل از ستاک گذشته‌ی فعل "dâšta" همراه با شناسه‌ی فعلی

و گذشته‌ی استمراری به شرح زیر استفاده می‌شود:

مضارع ملموس → شناسه + ستاک‌حال + me, mo, mi + شناسه + dêr +

dâšt + im + me + râft + im → dêštîm meratftîm

dâstem me raftem.	داشتم می رفتم.	dâštîm me raftîm.	داشتیم می رفتیم.
dâšti me rafti.	داشتی می رفتی.	dâštît me raftit.	داشتیم می رفتیم.
dâšt me raft.	داشت می رفت.	dâšten me raften.	داشتند می رفتند.

برای بیان قصد، تصمیم در مورد کاری در آینده از زمان حال ساده فعل وجهی «خواستن» همراه با حال التزامی فعل اصلی استفاده می کنند. مانند:

so moxâm barem diyane bâbâm.

فردا می خواهم به دیدن بابایم بروم.

وجه امری

وجه امری در گویش نهاوندی دارای دو صیغه‌ی دوم شخص مفرد و جمع است و طبق قاعده‌ی زیر ساخته می شود.
ستاک حال + ba
مثال:

baxor	بخور	baza	بزن
barit	بروید	baxorit	بخورید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منفی فعل امر:

به جای پیشوند /ba-/ از پیشوند /na-/ استفاده می شود

naxor	نخور
naxorit	نخورید

نکته: در حالت مفرد شناسه‌ی شخصی تکواژ صفر /φ/ است. زیرا نمود عینی ندارد و مفهوم دوم شخص مفرد در آن مستتر است. اما در دوم شخص جمع شناسه‌ی شخصی یعنی تکواژ /it/ وجود دارد.

۵- افعال لازم و متعدی

فعل لازم یا ناگذر فعلی است که مفهوم آن به کلمه دیگر گذر نمی‌کند یعنی به مفعول نیاز ندارد و بدون آن، مفهوم آن کامل است. مانند:

Hasan 'âmâ.	حسن آمد.
'o raft.	او رفت.
'onâ xanesen.	آن‌ها خندیدند.

فعل متعدی

فعل متعدی یا گذرا فعلی است که مفهوم آن به مفعول می‌رسد و بدون مفعول معنای کامل ندارد و به مفعول نیاز دارد تا معنی خود را کامل کند. مانند:

Ali ketâva bord.	علی کتاب را برد.
Ali ketâvi xari.	علی کتاب خرید.

فعل گذاری سببی

فعل گذاری سببی با افزودن پسوند سببی ساز یعنی تکواژ enâ یا en به ستاک فعل لازم ساخته می‌شود و آن را سببی می‌سازد به شرح زیر:

فارسی	سببی گذشته	→	شناسه شخص شمار	+ enâ +	ستاک گذشته‌ی فعل
خوابانید	xoftenâ	→	ϕ	+ enâ +	xoft
دوانید	dewenâ	→	ϕ	+ enâ +	dew
پراکند	tücenâ	→	ϕ	+ enâ +	tüic

مثال:

onâ brenja mine 'aşpaxona tücenân.

آن‌ها برنج را در آشپزخانه پراکندند.

فعل سببی گذشته‌ی ساده از مصدر «xofta» (خفتن) به شرح زیر صرف می‌شود:

xoftenâm	خواباندم	xoftenâyim	خواباندم
xoftenâyi	خواباندی	xoftenâyit	خواباندید
xoftenâ	خواباند	xoftenân	خواباندند

سببی حال ساده

سببی حال ساده به شرح زیر ساخته می شود :

فارسی حال سببی → شناسه شخص و شمار + en + ستاک حال فعل + پیشوند فعل
 آن رامی پراکنم me tücenemeš → me + tüc + en + em

me dewenem می دوانم

me xoftenem می خوابانم

مثال :

'ar xu bâ yavâs yavâs me dewenemeš.

اگر خوب بشود یواش یواش او را می دوانم (به دویدن وادارش می کنم).

گاهی برخی از افعال طبق قاعده‌ی بالا متعدی سببی نمی شوند. مانند :

nešesa (نشستن) → nešenâ (نشاندن)

یعنی بخشی از فعل حذف می شود و سپس پسوند سببی ساز اضافه می شود و همان طور که

دیده می شود فقط ستاک فعل باقی می ماند و سپس /enâ/ به آن اضافه شود. می توان گفت

که این قبیل افعال به طور بی قاعده و نامنظم ساخته شده اند.

گذشته‌ی مجهول

با افزودن پسوند /-es/ به ستاک فعل مورد نظر، فعل مجهول ساخته می شود. ستاک فعل

معمولاً از مصدر گرفته می شود. به چگونگی ساخت فعل گذشته‌ی مجهول به شرح زیر

توجه کنید :

فارسی	مجهول	es + ستاک فعل	→	مصدر
ریخته شد	rextes	rext + es	→	rexta
کشته شد	košes	košt + es	→	košta
دوخته شد	doxtes	doxt + es	→	doxta
بریده شد	borres	bor + es	→	boriya
شسته شد	šuštes	šuš + es	→	šušta
خورده شد	xores	xor + es	→	xorda
شکسته شد	'ešges	'ešg + es	→	'ešgesa
کنده شد	kanes	kan + es	→	kana

مثال:

kâsa cini 'a daseš 'oftâ 'ešges

کاسه چینی از دستش افتاد و شکسته شد.

اکنون به صرف گذشته‌ی مجهول فعل «košta» (کشتن) در زیر توجه کنید.

košesem	کشته شدم	košesim	کشته شدیم
košesi	کشته شدی	košesit	کشته شدید
košes	کشته شد	košesen	کشته شدند

ماضی نقلی مجهول:

برای ساختن ماضی نقلی مجهول ابتدا تکواژ مجهول ساز به ستاک فعل اضافه می شود و

پس شناسه‌ی شخص و شمار و نشانه‌ی ماضی نقلی یعنی /a/ به آن اضافه می شود.

فارسی	ماضی نقلی مجهول	→	شناسه‌ی شخص شمار	+ es + a +	ستاک فعل
ریخته شده است	rextesa	→	φ	+ es + a +	rext
شسته شده است	šuštesa	→	φ	+ es + a +	šuš
دوخته شده اند	doxtesan	→	φ	+ es + a +	doxt
بریده شده اند	boresan	→	φ	+ es + a +	bord

مثال :

vere ci ranŋe riš paresa?

برای چه رنگ رویش پریده شده است ؟

حال به صرف ماضی نقلی مجهول فعل «borsa» (بریدن) در زیر توجه کنید:

boresem	بریده شده‌ام	boresayim	بریده شده‌ایم
boresayi	بریده شده‌ای	boresayit	بریده شده‌اید
boresa	بریده شده است	boresan	بریده شده‌اند

زمان حال مجهول

زمان حال مجهول با اضافه شدن تکواژ iya به ستاک حال فعل مورد نظر ساخته می شود.

البته تکواژ التزامی ساز یعنی پیشوند /ba-/ قبل از حال اضافه می شود به شرح زیر:

فارسی	حالتزامی مجهول	→	iya	+	ستاک حال فعل	+	پیشوند فعل
شسته بشود	bašuriya	→	iya	+	šur	+	ba
خورده بشود	baxoriya	→	iya	+	xor	+	ba
پاره بشود	baderiya	→	iya	+	der	+	ba

مثال :

'ar pâlât baderiya yeki verat mexara.

اگر کفش هایت پاره شود یکی برایت می خرد.

ساختمان‌های سببی

همان‌طور که قبلاً گفته شد ساختمان‌های سببی در گویش نهاوندی با افزودن تکواژهای سببی ساز enâ و en به ستاک‌های گذشته و حال افعال ساخته می شود. ساختمان‌های سببی به ساختمان‌هایی گفته می شود که در آن شخص یا پدیده‌ای محرک و یا انگیزه و سبب می گردد که تا شخص یا چیز دیگری عملی انجام دهد و یا پذیرای حالتی گردد. قاعده‌ی

ساخت سببی به صورت زیر است :

فارسی	سببی گذشته	→	شناسه شخص و شمار	+ enâ	+ ستاک فعل
رقصانید	raqsenâ	→	ϕ	+ enâ	+ raqs
خندانیدند	xanenân	→	ϕ	+ enâ	+ xan
ترسانیدی	târsenâyi	→	ϕ	+ enâ	+ tars
ترسانیدید	tarsnâyit	→	ϕ	+ enâ	+ tars

مثال :

'imâna tarsenâyit, 'ai kârâ nakonit.

از این کارها نکنید ، ما را ترسانید.

ساخت سببی زمان حال

ساخت سببی زمان حال به صورت زیر ساخته می شود :

فارسی	ساخت سببی حال	→	شناسه	+ en	+ ستاک فعل	+ پیشوند فعلی
می رقصانیم	meraqsanim	→	im	+ en	+ raqs	+ me
می ترسانم	mertarseni	→	i	+ en	+ tars	+ me

مثال :

'a 'ike 'ona ve jâyi rasenâyim xošhâlim.

از این که او را به جایی رسانیدیم خوشحال هستیم.

۶- ضمیر و اقسام آن

همان طور که در صرف افعال سببی و دیگر افعال دیده می شود ضمیر در صرف افعال نقش اساسی دارد. اینک به بررسی ضمیر و اقسام آن در گویش نهاوندی می پردازیم.

ضمایر شخصی

ضمایر شخصی عبارت اند از ضمایر شخصی منفصل و ضمایر شخصی متصل. ضمایر متصل

و منفصل به ضمایر فاعلی و مفعولی تقسیم می شوند. ضمایر فاعلی متصل همان شناسه های شخصی هستند که در حالت فاعلی به ستاک فعل اضافه می شوند. مانند:

mexar <u>em</u>	می خرم	mexari <u>im</u>	می خریم
mexari <u>i</u>	می خری	mexar <u>it</u>	می خرید
mexara <u>a</u>	می خرد	mexar <u>an</u>	می خرند

مثال:

'onâ verat mexarem. آن را برایت می خرم.
don nako me zanamo. حرف نزن وگرنه ما را می زند.

همان طور که دیده می شود با اضافه کردن واج /o/ به عنوان پسوند جمع به ضمایر متصل مفرد (eš , et , em) به صورت جمع در می آیند: (/ešo/, /-eto/, /-emo/). اگر ضمایر متصل مفعولی به اسم اضافه شوند حالت اضافی پیدا می کنند یعنی مالکیت را می رسانند مانند «ketâveš» یعنی کتاب او.
به صرف حالت اضافه در زیر توجه کنید:

ketâvem	کتابم	ketâvemo	کتابمان
ketâvet	کتابت	ketâveto	کتابتان
ketâveš	کتابش	ketâvešo	کتابشان

مثال:

ketâveš gom bi. کتابش گم شد.

گاهی پسوند معرفه ساز /-eka/ را قبل از ضمیر متصل مفعولی می آورند، مانند:

pilekaš piyâ bi. پولش پیدا شد. (مخاطب می داند کدام پول)

ضمایر منفصل :

ضمایری که می توان آن ها را به صورت مستقل به کار برد منفصل نامیده می شوند. این ضمایر در نقش فاعلی ، مفعولی و اضافه به کار می روند.

ضمایر فاعلی عبارت اند از:

ma	من	'ima	ما
to	تو	šomâ	شما
'o	او	'onâ	آن ها

مثال:

ma kotekaša mexarem.

من کتکش را می خرم.

ضمیر منفصل مفعولی همان ضمیر فاعلی است که در این جا بعد از حرف اضافه به کار می رود. مثال :

ketâveta be ve 'imâ.

کتابت را به ما بده.

ضمیر مفعولی و فاعلی اگر بعد از اسم واقع شوند در حالت اضافی به کار می روند.

ketâve 'imâ gom bi.

کتاب ما گم شد.

ضمایر و صفات اشاره

کلمات 'o (او) و 'i (این) و جمع آن ها 'onâ و 'inâ (این ها) در گویش نهاوندی اگر به تنهایی به کار روند ضمیر اشاره هستند و اگر قبل از اسم به کار روند صفت اشاره هستند.

'onâ 'âmân.

آن ها آمدند. (ضمیر)

'i ketâv xuva

این کتاب خوب است. (صفت)

'i xuva.

این خوب است (ضمیر)

صفات اشاره دارای نقش دیگری به نام معرفه نیز هستند. یعنی می توانند اسم بعد از خود را معرفه کنند و از دیگر اسم ها متمایز سازند.

این کتاب تو ست. *î ketâve tona.*

هم خوان خیشومی /ɪ/ در این جا واج میانجی است.
همان طور که قبلاً اشاره شد پسوند /-eka/ اسم را معرفی می سازد.
کتت حاضر شد.

kotekat hâzer bi.

پسوند /-a/ نیز اسم را معرفه می سازد.

این کتاب را به من بده. *î ketâva be ma.*

ضمایر مشترک :

ضمایر مشترک ضمایری هستند که با فاعل جمله مطابقت دارند. یعنی با توجه به فاعل جمله به کار می روند. در گویش نهاوندی فقط یک ضمیر مشترک وجود دارد و آن «xo» به معنی «خود» است که با ضمایر متصل فاعلی صرف می شود:

xom	خودم	xomo	خودمان
xot	خودت	xoto	خودتان
xoš	خودش	xošo	خودشان

مثال :

'o xos raft.

او خودش رفت.

گاهی ضمایر مشترک نقش تأکید را نیز همراه خود دارند. مثال :

ma xom vet goftem baro.

من خودم به تو گفتم برو.

گاهی ضمایر متصل مفعولی به جزء غیر صرفی (غیر همکرد) اضافه می شود مانند:

henâm ko.

مرا صداکن (صدایم کن).